

جنگ به روایت رنگ

نگاهی به مسیر هنری کاظم چلیپا
هنرمند نقاش از روزهای جنگ تا روزگار کنونی

حرکت می‌کنند. مردان همه لباس رزم تن دارند و آماده‌اند تا بجنگند و جامعه را به سمت دیگری سوق دهند و زنان همه همراه آنها هستند تا در کنار هم مسیر را بپیمایند. گویی همه در یک راهپیمایی اعتراضی بزرگ همراه شده‌اند تا فردا طور دیگری رقم بخورد. در فیگورها، حالات، رنگ‌ها و فضاها می‌توان نوعی عصیان را مشاهده کرد، عصیان به وضع موجود و حرکت و تلاش برای تغییرش. این حال‌وهوای انقلابی و سرشار از شور و حرکت در آثار دوره جنگ این هنرمند هم دیده می‌شوند. هر چند آثارش در این دوره اغلب حال‌وهوایی اجتماعی‌تر و در مواردی مانند تابلوی موش‌های سکه‌خوار، انتقادی‌تر هم به خود می‌گیرند، اما می‌توان دید که باز هم با جریان روز جامعه همراه هستند و همراه با مردم و اتفاقات موجود پیش می‌روند.

آثار چلیپا در دهه اول انقلاب ویژگی‌های خاصی دارند، از جمله کنتراست شدید که موجب نمایش نوعی تنش، پویایی و حرکت در اثر می‌شود. کنتراست رنگی از طریق تضاد رنگ‌های سیاه و قرمز در مقابل رنگ‌های آبی و سفید ایجاد شده است. برای مثال در اثر ایثار شاهد استفاده از رنگ قرمز در کنار سفید هستیم؛ به طوری که رنگ قرمز نمادی از شهادت و ایثار و رنگ سفید نمایش پاکی، خلوص، معنویت شهدا و نزدیکی آن‌ها به منبع حق تعالی است. در آثار این دهه، رنگ غالب، رنگ‌های گرم است. باید گفت، بیان هنری آثار چلیپا در این دوره نمادین است.

در دهه‌های بعد اما فضای جامعه عوض شد و بسیاری از هنرمندان به خصوص گروه هنرمندانی که با نام هنرمندان انقلاب آنها را می‌شناختیم، دچار نوعی عزلت و گوشه‌گیری شدند. حضور هنر ایران در خارج از کشور و بالعکس، حضور در حراج‌ها و... فارغ از نکات مثبت و منفی‌ای که دارد، منابع هنری و فضای تازه‌ای را وارد ایران می‌کند؛ در این بین هنرمندان ارزشی حوزه هنری خود را با این جریان‌ها همخوان نمی‌دیدند. آنها سیاست‌ها را همراه با جریان اصلی انقلاب نمی‌دیدند و تصور می‌کردند که ارزش‌های انقلاب اسلامی در این دوره به شکل آرمان‌گرایانه خود پیش نمی‌رود. از جامعه هنری، گالری‌ها و نمایشگاه‌ها فاصله گرفتند و در آتلیه‌های شخصی خود به عزلت نشستند. چلیپا را هم



که بعد از انقلاب هم با آثارش نشان می‌دهد نه صرفاً یک روایتگر که چیزی فراتر است، چشم‌هایش خوب می‌بیند و ذهنش به درستی جهت‌ها را تشخیص می‌دهد. آن قدر که هنوز بعد از سال‌ها برخی آثار او درد روز جامعه است و می‌توان تا سال‌ها بعد به چشم دردهای روز جامعه نگاه‌شان کرد...

این هنرمند آثارش را در تعدادی نمایشگاه گروهی و بی‌ینال‌های نقاشی در داخل و خارج از ایران به نمایش گذاشته و کسب مقام اول نمایشگاه بین‌المللی هنرهای ظریفه‌زاین در سال ۱۳۷۱ را در کارنامه هنری‌اش ثبت کرده است. کاظم چلیپا برنده جایزه دستخط زرین امام در سالگرد جنگ ایران و عراق و برنده قلم‌موی زرین جایزه ویژه و دیپلم افتخار شده است. تدریس در رشته هنر دانشگاه‌های ایران و دآوری نمایشگاه‌های مختلف تجسمی نیز از دیگر فعالیت‌های این هنرمند محسوب می‌شوند که این روزها نمی‌دانیم آیا مانند گذشته به نقاشی مشغول است یا نه، اما می‌دانیم آثار هنری‌اش در یک برهه مهم اجتماعی و سیاسی در ایران همواره مطرح و مرجع خواهند بود.

چلیپا در آثار دهه اول انقلاب (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷) خود به تبلیغ و ترویج مفاهیمی چون ایثار، شهادت، از خودگذشتگی، مقاومت، مبارزه و ایستادگی پرداخته است. او در آثار دهه اول خود مشارکت زنان و مردان در جریان انقلاب و جنگ تحمیلی را ترسیم کرده که نکته جالب حضور پررنگ زنان است در قاب نقاشی‌های او. در بیشتر این آثار زنان به عنوان نمادی از مادر یا همسر شهید تصویر شده‌اند؛ زنان باهویت، ایستا، مقاوم و محکم هستند و پایه‌های مردان

طاهره محمدی روزنامه‌نگار

زندگی و احوالاتش عجیب شبیه یک داستان است، شبیه سرگذشت یک ملت حتی. کاظم چلیپا از کودکی نقاشی قهوه‌خانه‌ای دیده است، پدرش «حسن اسماعیل‌زاده» از نقاشان قهوه‌خانه‌ای است. پسر راه پدر را می‌رود، اما در فضایی متفاوت. او می‌داند نقاش است اما می‌خواهد در فضای نو ادامه دهد. از روزهای هنرستان می‌گذرد و تحصیلات آکادمیک را در رشته نقاشی آغاز می‌کند. گویی او قرار است بر نقاشی بشورد اما شوریدن و شیفتگی هر دو در جانش هست و در دانشگاه از او هنرمندی می‌سازد که هم راه پدر را می‌رود و هم راه خودش را. او یک گام نه فقط از پدر که از بسیاری نقاشان معاصران خود پیش می‌گذارد؛ دغدغه‌های تازه و فکرهای تازه‌ای را با خود به دانشگاه می‌برد و می‌شود نقاش انقلاب. از آنجا که در خانواده‌ای مذهبی و هنرمند رشد کرده بود، با ظهور اولین حرکت‌های انقلابی به جمع هنرمندانی پیوست که به هنر متعهد و اجتماعی معتقد بودند؛ او همراه و همگام با آنها به خلق آثاری پرداخت که تأثیرات خود از جامعه را به شکل هنرمندانه به جامعه برمی‌گرداند.

چلیپا از اولین هنرمندانی است که نامش به‌عنوان نقاش انقلاب در حافظه تاریخ هنر این ملک ثبت شده است. او در دوران دانشجویی در دانشکده هنرهای زیبای تهران در رشته نقاشی زیر نظر اساتیدی همچون «هانریال الخاص» به آموختن و کسب تجربه پرداخت. نقاشی

۱۷ شهریور



■ تکنیک؛ رنگ و روغن روی پارچه بوم
■ سال خلق: ۱۳۵۹

به گفته خودش، اولین تابلویی است که بعد از انقلاب کار کرده است. او که در جریان واقعه ۱۷ شهریور حضور داشت، از نزدیک این فاجعه را درک کرد و صحنه‌ای را که در مقابل چشمانش اتفاق افتاده بود، در تابلویی به تصویر کشید. در پیاده‌روی خونی و در کنار جنازه‌های افتاده روی زمین، زنی را می‌بینیم که بالای سر جسد همسر خود نشسته است و با بهت به اطراف نگاه می‌کند.

موش‌های سکه‌خوار



■ تکنیک؛ رنگ و روغن روی پارچه بوم
■ سال خلق: ۱۳۶۳

تابلوی «موش‌های سکه‌خوار» مورد علاقه مرتضی آوینی هم بود؛ تا جایی که آوینی در موردش می‌نویسد: «کاظم چلیپا نتوانسته است به آن موش‌های سکه‌پرستی که منافقانه در جنگ نیز دنبال گنج هستند و کاخ‌های رفاه و تجمل خویش را بر حقوق تضییع شده فقرا و دردمندان بنا کرده‌اند، بی‌اعتنا بماند... و چگونه می‌توان بی‌اعتنا گذشت از کنار یکی از علل اساسی‌ای که جنگ شرف و عزت اسلام را به سرنوشتی این چنین کشاند؟»

کویر



■ تکنیک؛ رنگ و روغن روی پارچه بوم
■ سال خلق: ۱۳۶۳

موضوع محوری تابلوی کویر، شهید است. مادر که همچون، وطن است، لاله‌های سرخ را که نمادی از فرزندان شهید هستند، در آغوش گرفته است. در پرده کویر، هنرمند درصدد بیان عاطفی و نمادینی از احساس یک مادر رنج‌کشیده نسبت به فرزندان میهن خود بوده و این امر را با استفاده از عناصر نمادین، فرم، نورپردازی، حالت سر و چهره پیکره حاضر در اثر به شکل قابل توجهی نشان داده است.